

## درس نهم: ذوق لطیف

آرایه های ادبی:

**متناقض نما (پارادوکس):** آوردن دو واژه یا دو معنی متناقض در سخن است به گونه ای که جمع آنها در زبان محال و آفریننده ی زیبایی باشد. مانند: حاضرِ غایب در بیت زیر:

هرگز حضور حاضر غایب شنیده ای؟  
من در میان جمع و دلم جای دیگر است

و چند نمونه از متن درس:

\*این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوانترین شاعر زبان فارسی...

\*این تنها خصوصیت سعدی است که سخنش به همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد...

**مجاز:** کاربرد سعدی به جای کتاب سعدی: به رختخوابی تکیه دادیم و سعدی می خواندیم.

استعاره: واژه های «پالیز» و «بوته و شاخ» در عبارت زیر به ترتیب استعاره از «آثار سعدی» و «کلام و بیت و عبارت» است.

«هر دو چنان بودیم که گویی در پالیز سعدی می چریدیم؛ از بوته ای به بوته ای و از شاخی به شاخی»

تکیه و تداوم:  
حکیمه سپهری

# میثاق دوستی

آرایه های ادبی:

**تشبیه:** رفیق خوش خلق که عندلیب محسوب می شد / قاصد بهار / دوشیزه ی بوستان /

ما مثل برگهای گل / موی ما، مثل شکوفه کافوری شد /

**تشخیص و استعاره:** چابک دستی باران / گونه های گل / گریبان افق / تبسم آفتاب / تبریک گفتن آفتاب / آسمان می خندید /

چلچله ها می رقصیدند / آبستن بودن / زاییدن شب / پاکی و بی گناهی بهار / پاکدامن بودن گل /

**استعاره:** در گونه های گل را درافشانی کرده بود (در: قطرات باران) / اگر تندبادی ما را از هم سوا کرد (تندباد: حوادث روزگار)

**کنایه:** دست و پای خویش را گم کردن: سراسیمه شدن / خود را جمع کردن: غلبه کردن بر اضطراب /

شیرین کردن کام کسی: محبت کردن / از هر دری سخن گفتن: سخنان گوناگون بیان کردن / قیافه ی گشاده داشتن: خنده رو بودن /

طفل و نارسیده بودن: بی تجربه و کم سن و سال بودن / با نان اندک ساختن: قناعت داشتن / کافوری شدن موی: پیر شدن

**مجاز:** نان مجاز از روز

**پارادوکس:** زبان بی زبانی

نقشه و تدوین:  
حکیمه سپهری